

● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

درک نوین از تکامل و همکاری میان

کشورهای منطقه^۱

بازبینی و بازرسی نقادانه گذشته و وداع با قالب‌های ناکارا و کهنی است که تأمین‌کننده نیازهای امروز ما نیستند، در بطن این عنوان وجود دارد.

برای منظم‌تر شدن بحث فکر می‌کنم طرح دو سؤال و پاسخ به آنها مفید باشد. اول آن که اصولاً چرا در منطقه باید دیدی آینده‌نگر داشت؟ و چه ضرورتی دارد که ما آینده‌گرا باشیم و دوم آن که چگونه باید در منطقه به سمت آینده حرکت کرد و چه شیوه و روشی را باید برای آینده برگزید؟

در پاسخ به سؤال اول باید عرض کنم

۱. سخنرانی جناب آقای محمد صادق خرازی معاونت آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه در همایش تحت عنوان فوق‌الذکر که در ۷۹/۹/۱ در دانشگاه کویت برگزار شد.

از حضور در جمع اندیشمندان کویتی بسیار خرسندم، قبل از هر چیز اجازه دهید مراتب تشکر و سپاس خود را از مهمان‌نوازی دوستان کویتی ابراز دارم و از مقامات دانشگاه کویت به خاطر برگزاری چنین نشست‌های بسیار سازگار باشم.

خوشحالی من به خاطر حضور دوست بسیار عزیزم جناب آقای شیخ ناصر مضاعف و چند برابر است. دیدگاه‌ها و علاقه‌های ایشان به توسعه‌ی اقتصادی منطقه‌ی ما واقعاً قابل تقدیر می‌باشد.

عنوان این همایش به سوی درک نوین از تکامل و همکاری میان کشورهای منطقه، نوعی نگرش آینده‌نگرانه را تجویز می‌کند و این چیزی است که من شخصاً به آن علاقه‌مند می‌باشم. توجه به آینده، لزوم طراحی نوین،

که سه موضوع، مهم و قابل توجه می‌باشند: موضوع اول، تجارب و درس‌های گذشته است. طی دو دهه‌ی گذشته، کمتر منطقه‌یی از جهان مانند منطقه‌ی ما آسیب دیده است. دو جنگ عمده‌ی تاریخ معاصر جهان یعنی جنگ عراق علیه ایران و جنگ عراق علیه کویت که در حقیقت تبدیل به بحران‌های بین‌المللی شدند، خسارت‌های عظیم مادی و معنوی در برداشتند که بعضاً به هیچ وجه قابل جبران نیستند. دامنه‌ی این دو منازعه، همه‌ی منطقه را فراگرفت و تأثیر شدیدی بر کلیه‌ی عرصه‌های زندگی مردم منطقه ما داشت. شاید بزرگ‌ترین درس‌های این منازعه آن باشد که نباید گذاشت که منطقه خسارت جدید دیگری پرداخت کند. خسارت‌های ساختاری باقیمانده از گذشته، درس‌های بزرگی برای آینده هستند. آینده را نمی‌توان بدون گذر از گذشته بنا کرد، همه‌ی مردم منطقه به این نتیجه رسیده‌اند که گذشته نباید تکرار شود و آینده باید متفاوت باشد و لازمه‌ی تحقق چنین خواستی آن است که ما از گذشته درس بگیریم و روش‌هایی که منجر به چنین خسارت‌هایی شد را رد کنیم و آینده را با روش‌های نوینی بنا کنیم.

موضوع دوم که نیاز به دیدی آینده‌نگر را ضروری می‌سازد، مسؤولیت ما در قبال نسل

جدید می‌باشد، این مسؤولیت مسؤولیتی عمیق است. آن‌چه که ما انجام می‌دهیم اگر با نگاه به نیازها و شرایط نسل جدید نباشد و صرفاً به گذشتن لحظه کنونی معطوف باشد، اگر جرم و خیانت محسوب نباشد، بی‌تردید اشتباهی بزرگ است. صریح بگویم که آن‌چه که ما امروز انجام می‌دهیم، باید با دیدی کلان‌تر از رفع نیازهای روزه‌مره امروزمان باشد. اگر می‌بینیم برخی از ملت‌ها در وضع بهتری از دیگران به سر می‌برند قطعاً یکی از ریشه‌های پیشرفت آنها، بهره‌برداری از زحمت‌های نسل‌های آینده‌نگر پیشین است. نسل‌های آینده از ما جدا شدند نیستند و بخشی از وجود ما هستند. ما نمی‌توانیم به این بخش از وجود خود بی‌تفاوت و بی‌توجه باشیم و این می‌طلبد که نگرشی آینده‌نگر راگزینش کنیم.

سومین موضوع که ما را ملزم به گزینش آینده‌نگر می‌کند، موضوع بسیار حیاتی جهانی شدن می‌باشد. جهانی شدن در حال حاضر تبدیل به یکی از عمده‌ترین مباحث نظری و عملی روابط بین‌الملل شده است. عده‌یی جهانی شدن را یک پروژه و عده‌یی آن را یک روند می‌دانند. عده‌یی سخت با آن مخالفت و عده‌یی سخت از آن جانبداری می‌کنند و برخی سعی می‌کنند که روشی میانه را اتخاذ کنند.

هر نوع برخوردی را که در تحلیل و

مرور مضمحل شده‌اند، ما نیز در این موج‌ها به تدریج از مبانی اصیل خود فاصله گیریم. بهره‌برداری از فرصت‌های فراهم آمده توسط جهانی شدن و مقابله با چالش‌های به وجود آمده توسط آن به خصوص چالش‌های فرهنگی، می‌طلبد که دیدی آینده‌نگر داشته باشیم. با توجه به آن‌چه که گفته شد یعنی درس‌ها و خسارت‌های گذشته و لزوم پرهیز از آنها، مسؤولیت مشترک ما در قبال نسل‌های آینده و پدیده جهانی شدن ما را به سمت نگرش آینده‌نگر سوق می‌دهد. حال که روشن شد که چاره‌ی جز برگزیدن آینده‌نگری نداریم، زمان طرح این پرسش است که چه روشی را برای آینده‌ای بهتر باید پیش گرفت و برچه زمینه‌هایی باید تکیه کرد. در پاسخ باید گفت که موضوع اول که بسیار با اهمیت و راهبردی است، تشدید روند غلبه بر برداشت‌های نادرست ما مردمان منطقه از یکدیگر است. این برداشت‌های نادرست^۱ ناشی از عوامل متعدد از جمله عدم آگاهی به اشتراک‌های بین خودمان است. در این عدم آگاهی، برخی اوقات ترس‌ها و نگرانی‌هایی به وجود آمده که مانع همکاری می‌باشند. خوشحالیم به اطلاع شما برسانم که سیاست خارجی دولت جناب آقای خاتمی برپایه تشنج

مقابله با جهانی شدن انتخاب کنیم دو مطلب را باید مد نظر قرار دهیم، اول آن که جهانی شدن واقعیتی است که در حال انجام می‌باشد. به عبارت دیگر جهانی شدن ابعاد گوناگون اقتصاد و فرهنگ و سیاست را در بر گرفته است. امروز اقتصادهای ملی در حال از دست دادن معنای گذشته خود هستند. مفهوم قدرت در حال دگرگونی است. فن‌آوری و رشد سریع دانش ارتباطات و توسعه‌ی مبادلات انسانی و تجاری قالب‌های کهن ارتباطی را به هم ریخته‌اند. این یک واقعیت تردید ناپذیر می‌باشد.

مطلب دومی که در مورد جهانی شدن قابل ذکر است این است که جهانی شدن دارای بارهای مثبت و منفی به طور توأمان می‌باشد. جهانی شدن از زاویه مثبت تماس‌های انسانی را افزایش داده و آگاهی بشری در اثر رشد دانش ارتباطات توسعه یافته است. ولی به طور هم‌زمان جهانی شدن امکان وارد شدن آسیب‌های جبران‌ناپذیر به هویت‌های فرهنگی همه کشورها به طور عام و منطقه‌ی ما به طور خاص را به وجود آورده است.

خواهران و برادران عزیز اگر درنگ کنیم ممکن است ما در امواج جدید جهانی شدن، ابتدا حاشیه‌نشین شده و سرانجام مانند بسیاری از ملت‌ها که در گذشته وجود داشته ولی به

1. Misperceptions

این همکاری‌ها گسترش یابد و به حوزه‌های دیگر تسری یابد مردم منطقه بیشتر از سرنوشت مشترک خود مطلع می‌شوند و در نهایت امنیت بهتری فراهم خواهد آمد. کاری که در زمینه‌ی محیط زیست انجام می‌گیرد می‌تواند در سایر حوزه‌ها هم چون بهداشتی، رفاهی، حمل و نقل، کشتیرانی و زمینه‌هایی از این قبیل نیز رشد و توسعه یابد.

خواهران و برادران عزیز کویتی، فراموش نکنیم آن‌چه که اروپا امروز به سمت اتحاد پیش‌برده است، همکاری‌های کاربردی در شصت سال گذشته است. اتحادیه‌ی اروپایی امروز با همکاری مشترک کاربردی در زمینه‌ی زغال سنگ شروع شد و در حال حاضر اتحادیه‌ی اروپایی یک واقعیت است و ایالات متحده اروپا چشم‌انداز آینده خود را نشان می‌دهد و این در حالی است که اروپایی‌ها بیش از هر منطقه‌ی از جنگ و خونریزی آسیب دیده‌اند. نمی‌خواهم بگویم که باید راه اروپا را دقیقاً الگوبرداری کنیم ولی می‌خواهم تأکید کنم که همکاری‌های کاربردی بسیار مهم‌اند. در همین راستا باید توجه شما را به لزوم افزایش مبادلات مردمی جلب کنم. هر چقدر که مردم عادی منطقه از کشورهای یکدیگر دیدن کنند، نه

زدایی و گفت‌وگوی تمدن‌ها بنا شده است، در طی چند سال گذشته با موفقیت توانسته است که در اصلاح برداشت‌ها و ایجاد اعتماد متقابل گام‌های به جا ماندنی بردارد ولی هنوز جای کار فراوان‌تری وجود دارد هر چقدر که در تشنج‌زدایی پیش رفته باشیم هنوز برای ایجاد حالت اعتماد کامل‌تر و متکامل‌تر باید بیشتر تلاش کنیم. هنوز نیاز داریم که در عرصه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی امکانات یکدیگر را بهتر بشناسیم و اعتماد پایداری را به وجود آوریم. صراحتاً می‌گویم جمهوری اسلامی ایران، آمادگی کامل دارد که در این روند بیش از پیش تلاش کند. ما صادقانه در پی آن هستیم که منطقه، منطقه‌ی پر از اطمینان و اعتماد گردد و این صرفاً با سخنان زیبا دست‌یافتنی نیست. باید گام‌های عملی بیشتری برداشت و ما برای گام‌های فزاینده‌تر آمادگی داریم. موضوع دوم که برای آینده بهتر باید دنبال کرد افزایش همکاری‌های تخصصی، فنی و کاربردی است. آن‌چه که دانشمندان روابط بین‌الملل از آن با عنوان رهیافت کارکردی^۱ یاد می‌کنند و خوشحالم که جناب آقای شیخ ناصر در صحبت خود به همکاری‌های مربوط به محیط زیست پرداختند. این دقیقاً همکاری در یک زمینه بسیار مهم کارکردی است. هر چقدر

1. Functional approach.

براین باورم که می‌توانیم مجمعی از نخبگان منطقه را راه‌اندازی کنیم و خارج از چارچوب‌های رسمی و دولتی ولی با هماهنگی با دولت‌ها و ملت‌ها جمعی را فراهم آورد که موتور محرکه طراحی آینده بهتر باشد. چرا ما نهادی را مانند داووس در منطقه نداشته باشیم. چه چیزی کم داریم؟ قطعاً چیزی کم نداریم فقط باید ارتباطات خود را افزایش دهیم و به دیدارهای رسمی اکتفا نکنیم.

از نظر من کویت بهترین امکانات برای کمک به راه‌اندازی چنین مجمعی را دارد، نظام دموکراتیک کشور شما، باز بودن شما، آرا و افکار مختلف و سطح بالای روشنفکری جامعه کویتی و رسانه‌های پیشرفته شما، همه زمینه‌های امیدوار کننده برای ارتباط بهتر بین نخبگان منطقه را فراهم می‌آورد.

در اینجا لازم می‌بینم که به طرح دوست عزیزم جناب آقای شیخ ناصر در مورد توسعه اقتصادی منطقه و اتصال منطقه ما با جاده ابریشم و چین اشاره کنم. این یک طرح دقیق کاربردی است که در نهایت در صورت اجرا، سعادت مردم منطقه را در برخواهد داشت. وظیفه ما و نخبگان ایرانی و عربی، جدی گرفتن این طرح و طرح‌های مشابه است. ما چنین ایده‌هایی را بهترین سوژه تأمین امنیت

تنها ترس‌های گذشته فرو می‌ریزد و مردم کشف می‌کنند که چقدر به یکدیگر نزدیک هستند، بلکه امنیت آینده نیز تأمین می‌شود. امنیت آینده در گرو افزایش این مبادلات می‌باشد. مردمی که نان و نمک یکدیگر را خورده‌اند و با یکدیگر دوست هستند، قطعاً قادر خواهند بود که از ظرفیت‌ها بهتر بهره‌برداری کنند و امنیت بهتری را به وجود آورند. آخرین نکته‌یی که در مورد افزایش همکاری‌های کاربردی باید بگویم این است که این همکاری‌ها را باید همیشه از عوارض فراز و فرودهای سیاسی تا حد امکان دور نگاه داشت و نباید اجازه داد که این نوع همکاری‌ها تحت تأثیر جنبه‌های منفی سیاست قرار گیرد.

علاوه بر آن چه که درباره لزوم اعتمادسازی بیشتر و افزایش همکاری‌های کاربردی گفته شد، موضوع دیگر که باید در مسیر آینده در دستور کار منطقه قرار گیرد، ارتباطات بین نخبگان فکری منطقه است. چرا نخبگان منطقه یکدیگر را بیشتر در پایتخت‌های غربی ملاقات می‌کنند. چرا ما ژنو، پاریس و لندن را بهتر از تهران و کویت و مسقط و ریاض می‌شناسیم. چرا فقط در اجلاسی نظیر داووس است که ما در کنار سایر نخبگان جهانی یکدیگر را ملاقات می‌کنیم.

طرح‌های عملی جزء گرا را دنبال کرد باید با بلندپروازی و در عین حال محتاطانه حرکت کرد. باید افق روشن را بلند پروازانه ترسیم کرد ولی در عمل باید با احتیاط گام‌ها را استوار و محکم برداشت. من به آینده خوش بینم و امید به توفیق الهی در این مسیر دارم.

آینده منطقه می‌دانیم. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی آمادگی همکاری در بررسی چنین طرح‌های سازنده‌یی را دارد. در پایان به طور خلاصه می‌توان گفت که ما چاره‌یی جز انتخاب روش آینده‌نگر نداریم و برای این کار در کنار همه راه حل‌هایی که به آن‌ها اشاره کردم، باید ترکیبی از دیدگاه‌های جامع‌گرایانه و جزء گرا را داشت، یعنی هم کلان اندیش بود و هم

